



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مطبعة دارالسلامة

اربعين حديثاً في معرفة الأئمة الاثنا عشر

محرران: دة جهول الحديث، دة ترجمته فارسي

برقعة: ٢٢٢٢ (٢٢٢٢)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اربعین حدیثاً فی معرفة الائمة اثنا عشر علیهم السلام معروف به چهل حدیث با ترجمه فارسی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی هنری آداب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | اربعین حدیثاً فی معرفۃ الائمه اثناعشر علیهم السلام |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۷ | اشاره |
| ۱۰ | فهرست |
| ۱۳ | مقدمه مصحح |
| ۱۹ | مقدمه مؤلف |
| ۲۰ | حدیث اول در فضیلت نور محمد صلی الله علیه وآله |
| ۲۲ | حدیث دوم هم در فضیلت محمد و علی صلی الله علیهما |
| ۲۴ | حدیث سوم در فضیلت حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله |
| ۲۵ | حدیث چهارم هم در فضیلت حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله و سلم |
| ۲۶ | حدیث پنجم |
| ۲۷ | حدیث ششم در فضیلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام |
| ۲۸ | حدیث هفتم |
| ۲۹ | حدیث هشتم |
| ۳۰ | حدیث نهم |
| ۳۲ | حدیث دهم |
| ۳۳ | حدیث یازدهم |
| ۳۴ | حدیث دوازدهم در بیان انک امیر المؤمنین علی - علیه السلام - در دوازده صفت همچو دوازده پیغمبر است |
| ۳۸ | حدیث سیزدهم |
| ۳۹ | حدیث چهاردهم |
| ۴۱ | حدیث پانزدهم در مناقب حضرت فاطمه علیها السلام |
| ۴۲ | حدیث شانزدهم در مناقب اهل بیت علیهم السلام |
| ۴۳ | حدیث هفدهم هم در مناقب اهل بیت |

| | |
|----|--|
| ۴۴ | حدیث هجدهم |
| ۴۵ | حدیث نوزدهم |
| ۴۶ | حدیث بیستم |
| ۴۷ | حدیث بیست و یکم |
| ۴۸ | حدیث بیست و دوم |
| ۴۹ | حدیث بیست و چهارم |
| ۵۰ | حدیث بیست و پنجم |
| ۵۲ | حدیث بیست و ششم |
| ۵۳ | حدیث بیست و هفتم |
| ۵۴ | حدیث بیست و هشتم |
| ۵۵ | حدیث بیست و نهم |
| ۵۶ | حدیث سی ام |
| ۵۷ | حدیث سی و یکم |
| ۵۸ | حدیث سی و دوم |
| ۵۹ | حدیث سی و سوم |
| ۶۰ | حدیث سی و چهارم |
| ۶۱ | حدیث سی و پنجم |
| ۶۲ | حدیث سی و ششم |
| ۶۳ | حدیث سی و هفتم |
| ۶۴ | حدیث سی و هشتم |
| ۶۵ | حدیث سی و نهم |
| ۶۶ | حدیث چهلم در فضیلت ابوطالب رحمه الله |
| ۶۹ | (کلام پایانی) |
| ۷۰ | فهرست منابع |
| ۷۲ | درباره مرکز |

اربعین حدیثاً فی معرفۃ الائمۃ اثنا عشر علیہم السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: اربعین حدیثاً فی معرفۃ الائمۃ اثنا عشر علیہم السلام معروف بہ چهل حدیث با ترجمہ فارسی / مولف ناشناخته؛ مصحح مرتضیٰ عنافجہ، محمدعلی اسدی.

مشخصات نشر: اهواز موسسہ فرہنگی ہنری آداب، انتشارات معتبر، 1400.

شابک: 3-175-419-600-978

وضعیت فہرست نویسی: فیپا یادداشت: فارسی - عربی.

موضوع: اربعینات -- قرن 10

موضوع: Arab'inat-- 20th century*

موضوع: احادیث شیعہ -- قرن 10

موضوع: Hadith (Shiites) -- Texts-- 16th century

شناسہ افزودہ: عنافجہ، مرتضیٰ، 1379-، مصاحبہ شونده

شناسہ افزودہ: اسدی، محمدعلی، 1378-، مصاحبہ شونده

ردہ بندی کنگرہ: BP143/9

ردہ بندی دیویی: 297/218

شمارہ کتابشناسی ملی: 8490239

ویراستار دیجیتالی: محمد منصور

ص: 1

اشارہ

عنوان و نام پدیدآور: اربعین حدیثاً فی معرفه الائمه اثنا عشر علیهم السلام معروف به چهل حدیث با ترجمه فارسی / مولف ناشناخته؛ مصحح مرتضی عنافجه، محمدعلی اسدی.

مشخصات نشر: اهواز مؤسسه فرهنگی هنری آداب، انتشارات معتبر، 1400.

شابک: 3-175-419-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: فارسی - عربی.

موضوع: اربعینات -- قرن 10

موضوع: *Arab'inat-- 20th century

موضوع: احادیث شیعه -- قرن 10

موضوع: Hadith (Shiites) -- Texts-- 16th century

شناسه افزوده: عنافجه، مرتضی، 1379-، مصاحبه شونده

شناسه افزوده: اسدی، محمدعلی، 1378-، مصاحبه شونده

رده بندی کنگره: BP143/9

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

رده بندی دیویی: 297/218

شماره کتابشناسی ملی: 8490239

اطلاعات رکورد کتابشناسی:

فیبا عنوان کتاب: اربعین حدیثاً فی معرفه الائمه اثنا عشر علیهم السلام معروف به چهل حدیث با ترجمه فارسی

نویسنده: ناشناخته (934 ه.ق)

مصحح: مرتضی عنافجه - محمدعلی اسدی

ناشر: انتشارات معتبر (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری آداب)

شابک: 3-175-419-600-978

- مقدمه مصحح..... 1
- مقدمه مؤلف..... 7
- حدیث اول | در فضیلت نور محمد صلی الله علیه وآله..... 8
- حدیث دوم | هم در فضیلت محمد و علی صلی الله علیهما..... 10
- حدیث سوم | در فضیلت حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله..... 12
- حدیث چهارم | هم در فضیلت حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله و سلم..... 13
- حدیث پنجم..... 14
- حدیث ششم | در فضیلت امیرالمومنین علی علیه السلام..... 15
- حدیث هفتم..... 16
- حدیث هشتم..... 17
- حدیث نهم..... 18
- حدیث دهم..... 20
- حدیث یازدهم..... 21
- حدیث دوازدهم | در بیان انکب امیرالمومنین علی - علیه السلام - در دوازده صفت همچو دوازده پیغمبر است..... 22
- حدیث سیزدهم..... 26
- حدیث چهاردهم..... 27
- حدیث پانزدهم | در مناقب حضرت فاطمه علیها السلام..... 29
- حدیث شانزدهم | در مناقب اهل بیت علیهم السلام..... 30
- حدیث هفدهم | هم در مناقب اهل بیت..... 31
- حدیث هجدهم..... 32

حدیث نوزدهم..... 33

حدیث بیستم..... 34

حدیث بیست و یکم..... 35

حدیث بیست و دوم..... 36

حدیث بیست و چهارم..... 37

حدیث بیست و پنجم..... 38

حدیث بیست و ششم..... 40

حدیث بیست و هفتم..... 41

حدیث بیست و هشتم..... 42

حدیث بیست و نهم..... 43

حدیث سی ام..... 44

حدیث سی و یکم..... 45

حدیث سی و دوم..... 46

حدیث سی و سوم..... 47

حدیث سی و چهارم..... 48

حدیث سی و پنجم..... 49

حدیث سی و ششم..... 50

حدیث سی و هفتم..... 51

حدیث سی و هشتم..... 52

حدیث سی و نهم..... 53

حدیث چهلم | در فضیلت ابوطالب رحمه الله..... 54

(کلام پایانی)..... 57

فهرست منابع..... 58

ص: 3

الحمد لله رب العالمين و الصلاة على محمد و آله الطاهرين.

چند مطلب حول کتاب:

نویسنده

هرچند نویسنده این کتاب معلوم نیست، اما از نوع انتخاب احادیث کتاب و شیوه ترجمه آن، به بزرگواری او پی خواهیم برد؛ همانگونه که امام صادق -علیه السلام- فرمودند: «ثَلَاثَةٌ أَشَدُّ يَأْتِ تَدُلُّ عَلَى عَقْلِ فَاعْلَمِيهَا: الرَّسُولُ عَلَى قَدْرِ مَنْ أَرْسَلَهُ وَالْهَدِيَّةُ عَلَى قَدْرِ مُهْدِيهَا وَالْكِتَابُ عَلَى قَدْرِ كَاتِبِهِ؛ سه چیز بر عقل و فهم انجام دهنده آن دلالت دارد: پیک و فرستاده دلالت بر جایگاه شخص ارسال کننده دارد، هدیه دلالت بر جایگاه شخص هدیه کننده دارد و کتاب دلالت بر جایگاه نویسنده آن دارد.» (1)

نام کتاب

در اصل نسخه، اسمی از نام کتاب برده نشده است و فقط بالای آن نوشته شده «چهل حدیث»، ولی در ابتدای مجموعه با نام «اربعین حدیثاً فی معرفة الائمة اثنا عشر مورخ به 934، معروف به چهل حدیث با ترجمه فارسی» معرفی شده است که ما هم همین اسم را قرار دادیم.

محتوای کتاب

ص: 1

مهم ترین ویژگی کتاب که باعث اهمیت آن می شود، وجود احادیثی است که در منابع دیگر ذکر نشده اند و فقط در همین کتاب موجود می باشد؛ با توجه به اینکه این کتاب در قرن دهم نوشته شده است، اهمیت دیگر ذکر این احادیث معین می شود. همچنین مصنف احادیثی را از بعضی کتب اهل سنت نقل می کند که در آن کتاب ها موجود نمی باشد و این نشان می دهد، احتمالاً در دراز مدت، این احادیث که در باب فضیلت اهل بیت -علیهم السلام- بوده اند، حذف شده اند.

نسخه کتاب

تنها نسخه ای که از این کتاب وجود دارد، به شماره 4543 در کتابخانه دانشگاه تهران با نام «مجموعه رسائل» نگهداری می شود. این کتاب، رساله چهارم این مجموعه، در صفحه 200 می باشد. این نسخه در کتاب فهرستگان نسخه های خطی شیعه معرفی شده است (1)

و نویسنده و کاتب آن نامشخص است (2)

و فقط پایان کتابت آن، به تاریخ ماه جمادی الثانی سال 934 ه. ق نوشته شده است.

توضیحاتی پیرامون تصحیح کتاب

ص: 2

1- فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ج 4، ص 217

2- هرچند در کتاب فهرستگان نسخه های خطی، کاتب آن را «ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم مظاهری مازندرانی» معرفی نموده است، ولی نام ایشان فقط در رساله دوم و سوم این مجموعه نوشته شده است و این احتمال وجود دارد که نویسنده این رساله، غیر از نویسندگان قبلی باشد.

- شیوه نگارش فارسی آن زمان اینگونه بوده است که به جای حروف «پ، چ، ژ، گ»، «ب، ج، ز، ک» می نوشتند، مثلاً کلمه «گفت»، «کفت» و «چگونه»، «جگونه» نوشته شده است؛ ما کلمات را به صورت ادبیات فارسی این زمان تصحیح نمودیم. یا مثلاً در کلماتی مثل «بلکه»، «آنکه» و «چیزی»، حرف «ه» حذف شده و به جای آن، کسره قرار گرفته و به صورت «بلک»، «آنک» و «چیز» نوشته شده است و همچنین کلماتی مانند «ابوسفیان» را به صورت «ابوسفین» می نوشتند که ما این کلمات رو به صورت اصلی خود قرار دادیم و در پاورقی معادل آن را بیان کردیم. (1)

- بعضی از کلمات یا جملات فارسی، در زمان قدیم استعمال می شدند و معنایش در زمان حال حاضر نامأنوس بوده است، که ترجمه آن ها در پاورقی ذکر شده است.

- هر چند اسم کتاب چهل حدیث است، ولی حدیث بیست و سوم در نسخه موجود نبود.

- اعراب روایات از نرم افزارها و سرویس اعراب گذاری نور گرفته شده است و تمام آن ها جهت صحت، بررسی شده اند.

- تمام منابعی که به آن اشاره کردیم در نرم افزارهای نور و سایت نورلایب موجود می باشد. اما جهت راحتی در یافتن مطالب، در انتهای کتاب فهرست منابع ذکر شده است.

ص: 3

1- جهت توضیحات بیشتر رک: مجلس در قصه رسول صلوة علیه (و آله)، مقدمه، ص 38.

- عنوان هایی که برای بعضی از احادیث ذکر گردید، توسط خود مصنف کتاب نوشته شده است و آنچه عنوان ندارد، در نسخه کتاب هم عنوان نداشته است.

در پایان از همه خواننده های عزیز درخواست می کنیم پیشنهادات و انتقادات خودشان را در میان بگذارند(1)

و از حضرت بقية الله الاعظم -عجل الله فرجه- می خواهیم این اندک تلاش ما را پذیر باشد و گوشه نگاهی به ما کنند، همانگونه که شاعر گفته است:

«قَلِيلٌ مِنْكَ يَكْفِينِي، وَلَكِنْ / قَلِيلُكَ لَا يُقَالُ لَهُ قَلِيلٌ؛ اندکی از تو برای من کافی است، اما / اندکی از تو را اندک نمی گویند.»

مرتضی عنافجه - محمدعلی اسدی

13 مرداد 1400

ص: 4

1- ایمیل: maasadi78@chmail.ir - mortezaanafge110@gmail.com

صحة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ أَجْمَعِينَ **المصدر** ابن حنبل في حديث در فضائل دوازده
 ایام و جهاد رده معصوم صلوات الله عليهم اجمعين
 بر آن بنده مؤمن که این حدیثها بخواند و بدین اعتقاد
 کند از جهنم خاندان طیبین و طاهرین باشد و حکم
 من احب شیئا حسره معه حسره و نشره و در دنیا
 و آخرت با اهل بیت باشد انشاء الله تعالی
الحديث الاول در فضیلت نور محمد صلی الله علیه
 و آله قال النبی ص ان قریباً کانت نوره
 بین یدی الله عز و جل قبل ان یخلق آدم بالقی

صفحه اول نسخه

فرستاد بر و خدا عز و جل و رسید بدو رضا، خدای
 تعالی و او بهترین عمر بود سر رسول خدا و امام
 صبر علیه السلام در حق او فرمود که رحمت کند
 خدای تعالی بر ابی طالب که او کفر خود پیدا کرد
 و ایمان خود پنهان میداشت و التسلام علی
 من اتبع الهدی و دین الحق این جمله حدیث است
 که مجتبان خاندان طیبین و طاهرین چون این
 حدیثها بجا نهند و اعتقاد کنند خدای تعالی
 دوزخ بر ایشان حرام کند چنانچه پیغمبر فرمود که
 لعاجتمع الناس علی حب علی ابن ابی طالب
 لما خلق الله النار کبر جمع شود مردمان
 شهر جیدان
 یوم القدر
 هدایت
 دوزخ را می آید
 ابی طالب
 بنویسند علی ابن ابی

صفحه آخر نسخه

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

اما بعد. (1) این حدیثیست در فضائل دوازده (2) امام و چهارده معصوم صلوات الله علیهم اجمعین. هر آن، بنده مومن که این حدیثها بخواند و بدین (3) اعتقاد کند، از محبان خاندان طیبین و طاهرین باشد و بحکم «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا حُشِرَ مَعَهُ» (4) حشر و نشر او در دنیا و آخرت با اهل بیت باشد؛ انشاء الله تعالی.

ص: 7

1- یعنی: اما بعد از حمد و صلوات.

2- دوازده.

3- به این ها.

4- یعنی: هرکسی چیزی را دوست داشته باشد، روز قیامت با آن محشور می شود. رک: تصنیف غرر الحکم، ص 204، ح 4015

حدیث اول | در فضیلت نور محمد صلی الله علیه وآله

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ فُرُشًا كَانَتْ نُورًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ بِالْفِي عَامٍ. فَسَبَّحَ ذَلِكَ النُّورُ بِتَسْبِيحِهِ. فَلَمَّا خَلَقَ آدَمَ أَلْفَى ذَلِكَ النُّورَ فِي صُلْبِهِ، ثُمَّ أَهْبَطَنِي إِلَى الْأَرْضِ فِي صُلْبِهِ، ثُمَّ حَمَلَنِي فِي صُلْبِ نُوحٍ -عَلَيْهِ السَّلَامُ- فِي السَّفِينَةِ، ثُمَّ حَمَلَنِي فِي صُلْبِ إِبْرَاهِيمَ -عَلَيْهِ السَّلَامُ- ثُمَّ قَدَفَنِي فِي النَّارِ فِي صُلْبِ إِبْرَاهِيمَ -عَلَيْهِ السَّلَامُ- وَلَمْ يَزَلْ يَنْقُلُنِي مِنَ الْأَصْدَلَابِ الْكَرِيمَةِ إِلَى الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ حَتَّى أَخْرَجَنِي اللَّهُ مِنْ بَيْنِ أَبْوَيْيَ وَلَمْ يَلْقَ أَبْوَايَ عَلَيَّ سِفَاحٍ قَطُّ.»

معنی حدیث: مصطفی -صلی الله علیه و آله- میفرماید که: «نور قریش نوری بود پیش خدای -عز و جل- (1)»

پیش از آنکه بیافریند آدم بدو هزار سال. پس آن نور، خدا تعالی را پاک‌ی یاد میکرد. چون خدای متعال آدم را بیافرید، آن نور را در پشت آدم -علیه السلام- تعبیه (2) کرد و بزمین فرستاد. پس از آنجا، در پشت نوح -علیه السلام- تعبیه کرد و بکشتی فرستاد. پس از آنجا در پشت ابراهیم -علیه السلام- تعبیه کرد و با آتش انداخت. و دایم (3) این نور مرا، از پشتهای پاک به رحمهای پاک نقل می کرد، تا آنگاه که بزورن (4) آورد مرا از

ص: 8

1- عزیز و بزرگ است.

2- آماده کردن.

3- همیشه، همواره.

4- بیرون، خارج.

میان پدر و مادر من؛ و پدر و مادر من، هرگز بحرام نرسیده اند و ناپاکی نکرده تا دانند.» (1)

ص: 9

1- یعنی: اجداد من از راه حرام به دنیا نیامده اند تا معروف شود و همه مردم متوجه شوند. حدیث به این مضمون در کتاب سلیم بن قیس، ج 2، ص 856 آمده است.

حدیث دوم | هم در فضیلت محمد و علی صلی الله علیهما

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَا عَلِيُّ! أَنَا وَأَنْتَ مِنْ نِكَاحٍ لَا مِنْ سِفَاحٍ مِنْ آدَمَ إِلَى عَبْدِ الْمُطَّلِبِ.»

معنی حدیث: مصطفی -صلی الله علیه و آله- فرمود که: «یا علی! من و تو فرزند نکاحیم، نه و ولد زنا، (1)

از آدم تا عبد المطلب.» (2)

پس محبان اهل بیت را به حکم این حدیثها خُبان (3) اعتقاد باید کردن، (4) که از آدم تا عبد المطلب، پدران و مادران مصطفی و مرتضی صلی الله علیهما، مومن و مومنه و طاهر و طیبه بودند، (5) و هرگز بآلایش (6) کفر و شرک آلوده نشده؛ چنانکه خدای تعالی در کلام مجید میفرماید که: «وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ» (7) یعنی گردش نور تو در اهل سجود بوده است؛ خلاف آنک میگویند ابراهیم -علیه السلام- از

ص: 10

-
- 1- فرزند به دنیا آمده از زنا.
 - 2- رک: الخصال، ج 2، ص 551.
 - 3- خوبان.
 - 4- کنند.
 - 5- لفظ «مومن» و «طاهر» مذكر هستند و برای پدران، و لفظ «مومنه» و «طیبه» مونث هستند و برای مادران استفاده شده است.
 - 6- آلایش: ناپاکی، آلودگی.
 - 7- سوره مبارکه شعراء، آیه 219.

بلکه از تاریخ است و آذر عم (2) بوده است و شوهر مادر او، و بعد از بیست سالگی، آذر از دین خود برگشت و مردود (3) شد.

ص: 11

1- طبق نقل مشهور و آنچه در قرآن آمده (سوره مبارکه انعام، آیه 74) این اسم با حرف زاء، آزر، نوشته می شود.

2- عمو.

3- مرتد.

حدیث سوم | در فضیلت حضرت مصطفیٰ صلی الله علیه وآله

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «كُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ.»

یعنی: من پیغمبر بودم و آدم هنوز میان آب و گل بود. (1)

ص: 12

1- مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج 1، ص 214

حدیث چهارم | هم در فضیلت حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله و سلم

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْأَدَمُ وَمَنْ دُونَهُ تَحْتَ لِيَوَائِي.»

یعنی: آدم -علیه السلام- و مجموع پیغمبران که بعد از او (1) بوده اند، زیر علم من باشند در روز قیامت. (2)

ص: 13

1- از او.

2- الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 876 - مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج 1، ص 214؛ ج 3، ص 228.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ حَسَبٍ وَنَسَبٍ مُنْقَطِعٌ إِلَّا حَسَبِي وَنَسَبِي.»

یعنی: مجموع حَسَبها (1) و نَسَبها منقطع شود الا (2) حَسَب و نَسَب من، که تا قیامت باقی ماند. (3) پس محبان اهل البیت را اعتقاد باید کرد، که تا قیامت از فرزندان رسول، کسی هست که خلق را به خدا راه می نماید (4) و آنکس گاهی ظاهر می باشد و گاهی مستور، (5) چنانکه یازده امام ظاهر بودند و امام محمد مهدی مستور است، صلوات الله علیه و علیهم اجمعین.

ص: 14

-
- 1- حسب: شرف ثابت در پدران، خویشاوندی پدر، بزرگی مرد از روی نسب، اصل، گوهر، نژاد، تبار.
 - 2- بجز.
 - 3- شواهد التنزیل، ج 1، ص 530، ح 564.
 - 4- یعنی: مخلوقات را به سمت خدا هدایت می کند.
 - 5- پوشیده، مخفی.

حدیث ششم | در فضیلت امیرالمومنین علی علیه السلام

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَنَا وَأَنْتَ -يَاعَلِي- مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ.»

یعنی: رسول میفرماید که: «من و تو یاعلی، از نور واحدیم.»⁽¹⁾

ص: 15

1- الرسالة العلوية، ص 35

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «عَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ.»

یعنی: علی از منست و من از علی؛ یعنی از نورِ واحدیم تا واضح باشد (1). (2)

ص: 16

1- یعنی چون از نور واحد هستیم، تو واضح کننده احکام من هستی.

2- امالی شیخ طوسی، ص 271، ح 42 (ح 504)

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ.»

یعنی: هر کس را من خداوندم، (1)

این علی خداوند اوست.

«اللَّهُمَّ! وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نصرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنِ مَنْ ظَلَمَهُ وَأَدَارِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ.»

یعنی: خداوند! دوست دار آنرا که علی را دوست دارد و دشمن دار آنرا که دشمن دارد علی را و یاری کن آنرا که یاری کند علی را و ملعون گردان آنرا که علی را و اولاد (او) را ظلم کند و حق با علی میگردد بَهر نوع که علی میگردد. (2)

و این حدیث عجیب و غریبست، هر که معنی این حدیث فهم کند بقدر خود و علم خود، بحق معرفت امیرالمومنین -علیه السلام- برسد و از ظلمت جهل خلاص یابد و بنور علی واصل (3) و متواصل (4) گردد.

ص: 17

1- ارباب، خواجه، سرور.

2- محتوای این حدیث، در منابع بسیار زیادی آمده است ولی عین این جمله که پشت سر هم باشد، یافت نشد.

3- پیوسته شونده، رسنده.

4- به یکدیگر پیوسته، به هم رسنده.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ يُوَازِي عَمَلَ الثَّقَلَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

یعنی: ضربت علی -علیه السلام- در روز خندق، برابر است با عمل جن و انس تا روز قیامت (1). (2).

حکایت: در تفسیر سوره احزاب آورده اند که: «أَبُو سَفِينٍ (3) و جَهُودَان (4) و عمرو بن عبدود شامی، با شازده هزار مرد، روی بمدینه نهادند تا حضرت رسالت را با جمیع مسلمانان بقتل آرند و مدینه را چنان خراب کنند که دیگر آبادان (5).

ص: 18

1- البته نباید اشکال به ذهن بیاید این روایت، با حدیث دیگر از پیامبر -صلی الله علیه و آله- مخالفت دارد که فرمودند: «لَضَرْبَةُ عَلِيٍّ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ؛ یک ضربت حضرت علی -علیه السلام- (در جنگ خندق) بهتر از عبادت جن و انس است.» (بحار الانوار، ج 39، ص 2، ح 14) زیرا هر ضربه حضرت علی -علیه السلام- بنابر متفاوت بودن اشخاص و اهمیت آن ها، ثوابش متفاوت می شود؛ مثلاً یک ضربه به شخص معمولی، معادل اعمال تمام جن و انسان ها می شود و ضربه دیگر بر عمرو بن عبدود، با فضیلت تر از اعمال تمام آن ها می گردد.

2- با لفظ «يُوَازِي» در منابع یافت نشد. اما با لفظ «أَفْضَلُ» در اقبال الاعمال، ج 1، ص 467 و با لفظ «خَيْرٌ» در الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج 2، ص 519 آمده است. این روایت، از احادیث بسیار مشهور است.

3- ابو سفیان.

4- یهودی ها.

5- آباد شدن.

نشود. و حضرت رسول -صلی الله علیه و آله- گرد مدینه خندق بفرمود. (1) و عمرو و عبدود -که او را با صد سوار برابر می داشتند که در عرب آژو دلاورتر نبودند- چند بار بکنار خندق آمدند و مبارز طلبیدند؛ کسی بیرون نیامد. و امیرالمومنین جوان بود؛ از حضرت رسول -صلی الله علیه و آله- اجازت طلب کرد و پیاده بیرون آمد. عمر عبدود چون او را بدید، گفت: «تو کیستی؟» گفت: «من علی ابن ابی طالبم.» عمر گفت: «تو همسر (2) من نیستی؛ ولکن تو کودکی، تو چدانی که جنگ مبارزان چه باشد.» امیر فرمود که: «من پیاده ام تو هم پیاده شو، که من چنان دانم که در جنگ من کشته خواهی شد.»

پس عمر پیاده شد و شرط کردند که از هر دو جانب کسی بمدد نیاید. و تا نیم روز حرب (3) کردند؛ بآخر، امیرالمومنین شمشیر بزد و یکپای او را بینداخت.»

ص: 19

1- یعنی دستور دادند خندقی ایجاد شود.

2- برابر در بلندی یا در قدر و مرتبه.

3- جنگ.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ عَلِيًّا عَلَى صُورَةِ عَشْرَةِ أَنْبِيَاءٍ؛ رَأْسُهُ كَرَأْسِ آدَمَ وَوَجْهُهُ كَوَجْهِ نُوحٍ وَفَمُّهُ كَفَمِّ شِيثٍ وَأَنْفُهُ كَأَنْفِ إِبْرَاهِيمَ وَبَطْنُهُ كَبَطْنِ مُوسَى وَيَدُهُ كِيَدِ عِيسَى وَرِجْلُهُ كَرِجْلِ إِسْحَاقَ وَسَاعِدُهُ كَسَاعِدِ سُلَيْمَانَ وَجَبْهَتُهُ كَجَبْهَةِ يُوسُفَ وَعَيْنُهُ كَعَيْنِي. وَ أَنَا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلِيٌّ خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ؛» صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ.

یعنی: خدای تعالی، علی -علیه السلام- را بصورت ده پیغمبر آفریده است؛ سر او چون سر آدم بود، و رُوی او چون روی نوح، و دهن او چون دهن شیث، و بینی او چون بینی ابراهیم، و شکم او چون شکم موسی، و دست او چون دست عیسی، و پای او چون پای اسحاق، و بازوی او چون بازوی سلیمان، و پیشانی او چون پیشانی یوسف، و چشم او چون چشم من. و من خاتم (1) انبیایم و او خاتم (2)

اوصیا. (3)

ص: 20

1- آخرین.

2- نگین، زینت.

3- برای حدیث منبعی یافت نشد.

امام بغوی در تفسیر ثعلبی و معالم آورده است (1) که (در تفسیر این آیه) «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ» (2) گفته و معازلی در کتاب مناقب آورده (3) که: «سلمان فارسی -رضی الله عنه- از رسول پرسید که: «وصی تو کیست؟» گفت: «لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ وَوَارِثٌ وَوَصِيٌّ وَوَارِثِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.»»

یعنی: همه پیغمبرانرا وصی و میراث بری هست، و وصی و میراث بر من، علی بن ابی طالب است. (4)

ص: 21

1- حسین بن مسعود فراء بغوی شافعی (433-516ق) کتابی تفسیری به اسم «معالم التنزیل» نوشته است که از تفسیر ثعلبی بسیار تاثیر پذیرفته است. منظور مصنف از «در تفسیر ثعلبی و معالم» همین بوده است که تفسیر بغوی، در واقع تاثیر پذیر از ثعلبی بوده و اسم آن معالم است. با جست و جو در این کتاب، حدیث یافت نشد؛ احتمالاً انتشارات یا ناسخانی که بعداً این کتب را نوشته اند از سر کینه و بغض نسبت به امیرالمومنین -علیه السلام- این حدیث را حذف نموده اند، یا در طول تاریخ این حدیث بنا به دلایل دیگر از این کتاب حذف شده است، یا منظور مصنف آن است که در این کتاب ها، به صورت کلی و با مضمون های دیگر به ولایت حضرت علی -علیه السلام- اشاره شده است.

2- سوره مبارکه مائده، آیه 67.

3- مناقب الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام (مناقب مغازلی)، ص 192، ح 238

4- مانند همین روایت، در حدیث سی ام ذکر می شود.

حدیث دوازدهم | در بیان انکِ امیر المومنین علی - علیه السلام - در دوازده صفت همچو دوازده پیغمبر است

حدیث دوازدهم | در بیان انکِ امیر المومنین علی - علیه السلام - در دوازده (1) صفت همچو دوازده پیغمبر است

روایتست که: «روزی رسول -صلی الله علیه و آله- در خانه امّ سلمه نشسته بود، کسی در خانه بزد. رسول -صلی الله علیه و آله- فرمود که: «هر که خواهد آدم را به بیند با صفوتش، (2) و نوح را به بیند با شوکتش، (3) و اسماعیل را به بیند با عبادتش، و ایوب را به بیند با صبرش، و ادريس را به بیند با رفعتش، (4) و عیسی را به بیند با زهدش، و مرا که محمدم به بیند با طاعتم، این مرد را به بیند که بر در خانه ایستاده است و در می زند.» امّ سلمه برخاست و در خانه بگشود؛ امیرالمومنین علی -علیه السلام- را دید. باز آمد و گفت: «یا رسول الله! این همه، فضیلت پسر ابوطالب راست؟» (5) رسول -صلی الله علیه و آله- فرمود که: «یا امّ سلمه! خدای عزّ و جَلّ او را با دوازده پیغمبر برابر کرده است،

چنانکِ آدم را گفت: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ» (6)

ص: 22

1- دوازده.

2- صفوت: برگزیدگی.

3- شوکت: بزرگواری، مرتبه، قدرت.

4- رفعت: بلندی مرتبه.

5- این همه فضیلت گفته شد، در مورد پسر ابوطالب است یا شخص دیگری مد نظر شما بوده؟

6- سوره مبارکه آل عمران، آیه 33 - خداوند حضرت آدم -علیه السلام- را برگزید.

و علی -علیه السلام- را گفت: «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (1)

و نوح را گفت: «إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» (2) و علی -علیه السلام- را گفت: «إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (3) و ابراهیم گفت: «وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى» (4)

و علی -علیه السلام- را گفت: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» (5)

و اسماعیل را گفت: «فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ» (6)

و علی -علیه السلام- را گفت: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (7)

ص: 23

1- سوره مبارکه فاطر، آیه 32 - سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم (ترجمه مکارم)

2- سوره مبارکه اسراء، آیه 3 - حضرت نوح -علیه السلام- بنده بسیار شکرگزار بود.

3- سوره مبارکه انسان، آیه 9 - ما شما را بخاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم! (ترجمه مکارم)

4- سوره مبارکه نجم، آیه 37 - و ابراهیم کسی که (به عهدش) وفا کرد.

5- سوره مبارکه انسان، آیه 7 - به نذر خود وفا می کنند.

6- سوره مبارکه صافات، آیه 103 - هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد (ترجمه مکارم)

7- سوره مبارکه بقره، آیه 207 - بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی -علیه السلام- در «ليلة المبيت» به هنگام خفتن در

جایگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند (ترجمه مکارم)

و ایوب را گفت: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا» (1)

و علی -علیه السلام- را گفت: «بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا» (2)

داود را گفت: «إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (3)

و علی -علیه السلام- را گفت: «لَيْسَتْ خَلِيفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ» (4)

ادریس را گفت: «وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا» (5)

و علی -علیه السلام- را گفت: «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ» (6)

عیسی را گفت: «أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ» (7)

و علی -علیه السلام- را گفت: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (8)

و مرا که محمد (م) گفت: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (9)

و علی -علیه السلام- را گفت: «يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» (10)

ص: 24

1- سوره مبارکه ص، آیه 44 - ما او را صبر کننده یافتیم.

2- سوره مبارکه انسان، آیه 12 - و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آنها پاداش می دهد! (ترجمه مکارم)

3- سوره مبارکه ص، آیه 26 - ما تو را بر روی زمین خلیفه قرار دادیم.

4- سوره مبارکه نور، آیه 55 - قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد. (ترجمه مکارم)

5- سوره مبارکه مریم، آیه 57 - و ما او را به مقام والایی رساندیم. (ترجمه مکارم)

6- سوره مبارکه انسان، آیه 21 - بر بدن هایشان حریر نازک ...

7- سوره مبارکه مریم، آیه 31 - من را به نماز و روزه سفارش کرد.

8- سوره مبارکه مائده، آیه 55 - کسانی که نماز را اقامه می کنند و زکات می دهند.

9- سوره مبارکه کوثر، آیه 1 - ما به تو کوثر دادیم.

10- سوره مبارکه انسان، آیه 5 - از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. (ترجمه مکارم)

خدا تعالی در شأن خود فرمود: «وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ» (1)

و علی -علیه السلام- را گفت: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (2). (3)

ص: 25

1- سوره مبارکه انعام، آیه 16 - او غذا (روزی) می دهد و غذا به او داده نمی شود.

2- سوره مبارکه انسان، آیه 8 - و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند! (ترجمه

مکارم)

3- برای این حدیث منبعی یافت نشد.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «عَلَيَّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ.»

یعنی: علی بهترین خلق است بعد از انبیا، هر که او را قبول نکند کافرست. (1)

ص: 26

1- بشارة المصطفى، ص 246.

نقلست که: «روزی سلمان پارسی -رضی الله عنه- نزد امیرالمومنین علی -علیه السلام- آمد و چشم مبارک حضرت امیر تکشّر (1) داشت، گفت: «چونی؟» (2)

یا امیرالمومنین!

امیرالمومنین علی -علیه السلام- هم گفت: «أَنَا الْأَوَّلُ وَأَنَا الْآخِرُ وَأَنَا الظَّاهِرُ وَأَنَا الْبَاطِنُ وَأَنَا أَرْفَعُ وَأَنَا أَوْضَعُ (3) وَأَنَا أَحْيِي وَأَنَا أُمِيتُ وَأَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ وَأَنَا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ وَلِي شَيْءٌ مَا لِلَّهِ مِثْلُهُ.»

یعنی: منم اول، منم آخر، منم ظاهر، منم باطن، منم بردارنده، منم فرونهند، منم زنده کننده، منم میراننده، منم که زنده ام و نمی میرم، منم که بهمه چیزی دانام، و مراسم (4) چیزی که خدای تعالی را نیست مثل آن. سلمان چون این بشنید گفت: «یا علی! در یاب مرا، وگرنه هلاک شدم.» حضرت امیرالمومنین -علیه السلام- فرمود که: «من اولم یعنی: اول کسی که ایمان بخدا و رسول آورد من بودم. و آخرم یعنی: در آخر نفس رسول با او بودم. و ظاهرم بدین شمشیر (5) و باطنم یعنی: در علم باطن (6) و بر می دارم و فرو می نهم قدمهای

ص: 27

- 1- ضعف، ناتوانی - لغت نامه دهخدا: «نزد اطباء عبارت است از حالی که انسان در آن حالت احساس سرما و لرزیدن و نیازمندی به گرم شدن کند در پوست و عضلات بدن.»
- 2- چگونگی، کیفیت. یعنی: شما چه شخصیتی هستید و چه ویژگی هایی دارید؟
- 3- البته «أَصْعُ» صحیح است زیرا این فعل بر وزن «وَضَعُ يَضَعُ» می باشد.
- 4- برای من است.
- 5- یعنی: با این شمشیر همه من را می بینند و می شناسند.
- 6- یعنی: در علم باطن قرار دارم و آن را می دانم.

خود را در راه طاعت خدای تعالی. و زنده میکنم سنت رسول را. و می میرانم بدعت و کفر را. و منم زنده، که نمیرم چنانکه خدای تعالی میفرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ» (1)

یعنی مپندار آنکسانی را که در راه خدا تعالی کشته شدند، که ایشان مردند. بلکه ایشان زنده اند، نزدیک پروردگار خود روزی پدیشان (2) میرسند، و ایشان شاد و فرحناک اند. و من بهمه چیز دانام، چنانکه خدای تعالی میفرماید که: «كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (3) یعنی همه چیز را جمع کردیم در امام مبین؛ و منم آن امام. مرا چیز است که خدای تعالی را مثل آن نیست، مراسم فاطمه و حسن و حسین - علیهم السلام - و الله عزّ و جلّ «لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا» (4). (5)

ص: 28

1- سوره مبارکه آل عمران، آیه 169 و 170

2- به ایشان.

3- سوره مبارکه یس، آیه 12.

4- یعنی: خداوندی که هیچ همراه (همسر) و فرزندی انتخاب نکرد.

5- منبعی برای حدیث یافت نشد.

حدیث پانزدہم | در مناقب حضرت فاطمہ علیہا السلام

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي.»

یعنی: فاطمہ پارہ منست، هر که اورا بقهر (1) آرد، همچنانست (2) که مرا بقهر آورد. (3)

ص: 29

1- خشم.

2- مانند آن است.

3- صحیح البخاری، ج 6، ص 121، ح 3313.

نقلست که چون این آیه نازل شد که «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمُ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمُ» (1) یعنی (پیامبر) صلی الله علیه و آله فرمود که: «امیرالمومنین و فاطمه و حسن و حسین -علیهم السلام- را بخوانید.» چون در آمدند، گفت: «خداوندا! اینها آند اهل بیت من.» (2)

ص: 30

-
- 1- سوره مبارکه آل عمران، آیه 61 - معنای آیه: «ما فرزندان و زنان خود را دعوت می کنیم و شما هم فرزندان و زنان خود را.»
 - 2- الامالی شیخ طوسی، ص 307، ح 63 (ح 616) - سنن الترمذی، ج 5، ص 71، ح 2999.

نقلست که «روزی حضرت رسول -صلی الله علیه و آله- بیرون آمد و با او بود بُردی (1) از بردهای یمن از پشم سیاه بافته؛ پس امام حسن -علیه السلام- آمد و در زیر آن عبا رفت. پس امام حسین -علیه السلام- آمد و همچنان (2)

در زیر عبا شد. پس فاطمه -علیها السلام- آمد و در زیر عبا شد. پس امیرالمومنین علی -علیه السلام- هم آمد و در زیر عبا رفت. بعد از این پیغمبر -صلی الله علیه و آله- فرمود که: «قَوْلُهُ تَعَالَى: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (3) یعنی بدرستی که میخواهد خدای تعالی که برد از شما رجس (4) نجس را از اهل البیت و پاک کند شما را.» (5)

و این پنج تن را جهت این، آل عبا خوانند.

ص: 31

-
- 1- فرهنگ فارسی معین: «بُرد» نوعی پارچه کتانی راه راه، که یمانی آن معروف است.
 - 2- همان گونه، مانند آن، به آن روش، همان طور.
 - 3- سوره مبارکه احزاب، آیه 33.
 - 4- پلیدی.
 - 5- صحیح مسلم، ج 4، ص 1883، ح 61 (ح 2424).

جابر روایت میکند که «حضرت رسول -صلی الله علیه و آله- روزی عرفه (1) بر ناقه (2) قصوی (3) نشسته بود و خطبه همی کرد. (4) شنیدم که همی گفت: «إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا: كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي.»

یعنی: ای مردمان! من دو چیز در میان شما گذاشتم که اگر شما انرا فراگیرید هرگز گمراه نشوید: یکی کتاب، کتاب خدای تعالی، دوم عترت و اهل بیت من. (5)

ص: 32

1- روز عرفه.

2- شتر.

3- نام شتر رسول خدا -صلی الله علیه و آله- که به آن عَضْبَاء می گفتند.

4- فرهنگ فارسی عمید: «همی» بر سرفعل ماضی و مضارع می آید و دلالت بر استمرار می کند: همی رفت، همی گفت، همی رود.

5- سنن الترمذی، ج 5، ص 478، ح 3786.

زید بن ارقم -رضی الله عنه- روایت میکند که: «پیغمبر -صلی الله علیه و آله- روزی در میان ما برخاست بغدیر خم -در میان مکه و مدینه- و خطبه کرد. و حمد ثناء خدای تعالی یاد کرد و امت را وعظ گفت. پس فرمود: «أَمَّا بَعْدُ أَلَا يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَنِي رَسُولُ رَبِّي فَأَجِبْتُ وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ تَقْلِينَ كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ، خُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ. فَحَثَّ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ رَغَبَ فِيهِ. ثُمَّ قَالَ أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي كُلِّ أَهْلِ بَيْتِي.»

یعنی: ای مردمان! بدرستی که من بشرم؛ می آید بی شک بر من، رسول(1) پروردگار من -یعنی ملک الموت-، و من جواب او بگویم -یعنی روح تسلیم کنم- و در میان شما دو چیز گران میگذارم: اول کتاب خدای تعالی که دُرُوست نور هدایت، پس بگیرید کتاب خدایرا و دست در آن زنید و تحریرص(2) گردانید امت را بکتاب خدا و راغب گردانید مسلمانرا بکتاب. پس گفت: یاد میکنم خدایرا در اهل بیت من؛ و سه نوبت سفارش اهل البیت کرد.(3)

ص: 33

1- فرستاده.

2- تشویق کردن به چیزی.

3- صحیح مسلم، ج 4، ص 1873، ح 36 (ح 2407) - شبیه این روایت ذیل حدیث بیست و پنجم می آید.

زید بن ارقم روایت میکند: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي وَلَمْ يَنْفَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ فَاَنْظُرُوا كَيْفَ تَحْلِفُونِي فِيهِمَا.»

یعنی: پیغمبر -صلی الله علیه و آله- فرمود که: «من دو چیز در میان شما گذاشتم؛ اگر دست در آن هر دو زنید، هرگز گمراه نشوید از بعد من. یکی عظیم تر از دیگری، کتاب خداست که چون ریسمانیست کشیده از آسمان تا زمین. و دوم عترت من. و این کتاب، و عترت من از یکدیگر جدا نشوند تا بحوض کوثر بمن رسند. (1)

ص: 34

حدیث بیست و یکم

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَ عَلِيَّ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ وَسَلَّمَ لِمَنْ سَأَلَهُمْ.»

یعنی: من در جنگم با آنکه با علی و فاطمه و حسن و حسین -علیهم السلام- در جنگ باشد، و آشتم (1)

با آنکه با ایشان آشت باشد. (2)

ص: 35

1- آشتی ام، در صلح ام.

2- برای حدیث منبعی یافت نشد.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاوَاتِ إِذَا غَرَبَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ.»

یعنی: مثل آل محمد مثل ستارها آسمانهاست، چون ستاره فرو شود، (1) ستاره دیگر برآید. (2)

ص: 36

1- پایین رود و ناپدید شود.

2- عین این حدیث پیدا نشد، اما با این مضمون در این منابع آمده: الکافی، ج 1، ص 338، ح 8 - کتاب سلیم بن قیس، ج 2، ص 686

حدیث بیست و چهارم

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَهُوَ».

یعنی: مثل آل محمد چون مثل کشتی نوحست، هرکه بران کشتی نشیند نجات یابد و هرکه نشیند غرق شود و تلف گردد. (1)

ص: 37

1- عین این حدیث پیدا نشد، اما با این مضمون در این منابع آمده: کتاب سلیم بن قیس، ج 2، ص 560 - بصائر الدرجات، ج 1، ص 297، ح 4.

در صحیح مسلم در دو موضع آمده است(1)

بروایت زید ارقم رضی الله عنه: «قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ بَيْنَ الْمَكَّةِ وَالْمَدِينَةِ ثُمَّ قَالَ بَعْدَ الْوَعظِ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَنِي رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبُ وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالتُّورُ، فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ ثُمَّ رَغَبَ فِيهِ وَقَالَ: وَ أَهْلَ بَيْتِي أُذَكِّرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي.»

زید ارقم -رضی الله عنه- روایت میکند که: «رسول الله -صلی الله علیه و آله- در غدیر خم، میان مکه و مدینه، ما را خطبه کرد. و پس گفت بعد از وعظ که: «ای مردمان! من بشرم(2) و بی شک رسول(3) خدا بمن آید،(4) یعنی ملک الموت، و من او را اجابت کنم. و من دو چیز بزرگ در میان شما میگذارم: اول کتاب خدای تعالی که دُرُوست هدایت و نور؛ پس بخوانید کتاب خدای

ص: 38

1- این حدیث را فقط در یک جا پیدا کردیم و در انتهای روایت آدرس آن را نوشته ایم.

2- انسان.

3- فرستاده.

4- به سمت من می آید.

را و دست بدان در زنید. (1) و مردم را بدان ترغیب (2) کرد. دوم اهل البیت من؛ و یاد میکنم خدایرا در اهل بیت من» (3). (4)

ص: 39

1- یعنی: کتاب خدا را بگیری و به آن عمل کنی.

2- تشویق.

3- یعنی: خدا را در مورد اهل بیت خودم به یاد شما می آورم و شما را از خشم خدا می ترسانم.

4- صحیح مسلم، ج 4، ص 1873، ح 36 (ح 2407) - به مانند این روایت، ذیل حدیث نوزدهم گذشت.

در جمع بین الصحاح الستة(1) آمده است از روایت پیغمبر صلی الله علیه و آله: «إِنَّهُ قَالَ: رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا. اللَّهُمَّ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ حَيْثُ دَارَ.»

یعنی: پیغمبر -صلی الله علیه و آله- فرمود که: «رحمت کند خدای تعالی علی -علیه السلام- را. ای بار خدای! بگردان حق را با علی بهر طرف که او بگردد.» معنی این حدیث آنست که هرچه حضرت امیرالمومنین علی -علیه السلام- گوید و کند و اندیشد، حق آن باشد که ازودر وجود آید.

ص: 40

1- کتاب «الجمع بین الصحاح الستة» که با نام های دیگر به اسم «التجرید للصحاح الستة» و «لتجرید للصحاح و السنن» شناخته می شود، نوشته رزین بن معاویه عبدری سرقسطی اندلسی متوفی 535 ه.ق می باشد و ظاهراً این کتاب هنوز چاپ نشده است.

صاحب کشف روایت کرد که رسول -صلی الله علیه و آله- فرمود که: «فَاطِمَةُ مُهَجَّةٌ قَلْبِي وَ ابْنَاهَا ثَمَرَةُ فُؤَادِي وَ بَعْلُهَا نُورٌ بَصَرِي وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِهَا أَمْنَاءُ رَبِّي وَ حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ غَوَى.»

یعنی: پیغمبر -صلی الله علیه و آله- فرمود که: «فاطمه مهجه دل من - منست (1) و پسران او یعنی امام حسن و امام حسین -علیهما السلام-، میوه دل منند و جفت (2) او، یعنی امیرالمومنین -علیه السلام-، نور چشم منست و امامان که از فرزندان فاطمه اند، امینان پروردگار منند و ریسمانی اند کشیده میان خدای تعالی و میان خلق خدای تعالی. هرکه بدیشان اعتصام کند نجات یابد و هرکه ازیشان بگردد و گمراه شود.» (3)

ص: 41

1- آنچه بین دو خط تیره آمده، ترجمه مصنف از کلمه مهجه است.

2- زن و شوهر، همسر.

3- این حدیث در کتاب المناقب زمخشری نقل شده و ظاهراً هنوز چاپ نشده است. رک: نهج الحق و کشف الصدق، ص 227 - بحار الانوار، ج 29، ص 649، ح 68

هم صاحب کشف روایت کند که: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا ضَلَّ وَغَوَى.»

یعنی: پیغمبر -صلی الله علیه و آله- فرمود که: «مثل اهل بیت من، چون کشتی نوحست، هرکه در آن نشست نجات یافت و هرکه ازو جدا شد گم گشت و بی راه شد.»⁽¹⁾

ص: 42

در صحیح بخاری در مناقب حضرت فاطمه -علیها السلام- آورده است که: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَاطِمَةُ بُصَّةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا فَقَدْ أَعْضَبَنِي.»

یعنی: فاطمه پاره از اندام منست، هرکه او را بَعْضَب آرد، چنانست که مرا در غضب آورده باشد. (1)

ص: 43

1- صحیح بخاری، ج 6، ص 121، ح 3313.

امام بغوی در تفسیر ثعلبی و معالم آورده است،⁽¹⁾ و احمد حنبل در مسند، (در) قصه وصایت امیرالمومنین در غدیر گفته، و ثعلبی در تفسیر (این آیه) گفته «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ»⁽²⁾ و مغازل در کتاب مناقب آورده، و ثعلبی در سوره «سَأَلْ سَائِلٌ»⁽³⁾ گفته در قصه حارث بن نعمان فهري، و احمد حنبل در مسند گفته که: «سلمان فارسی -رضی الله عنه- از رسول -صلی الله علیه و آله- پرسید که: «وصی تو کیست؟» فرمود: «لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ وَوَارِثٌ وَوَصِيٌّ وَوَارِثٌ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ»⁽⁴⁾. یعنی هر پیغمبری را وصی و میراث داری است، وصی و میراث دار من علی بن ابی طالبست.

ص: 44

1- این روایت، در حدیث یازدهم ذکر شد و در آنجا منابع را گفتیم. اما نسبت به منبع های دیگری که مصنف ذکر نموده است، این حدیث را در آنجا نیافتیم و دلایل احتمالی عدم وجود این روایات در منابع اصلی را هم ذیل همان حدیث یازدهم بیان کردیم.

2- سوره مبارکه مائده، آیه 67

3- سوره مبارکه معارج

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى.»

یعنی: پیغمبر، علی -علیه السلام راگفت: «تو بر من، بمنزلت هارونی از موسی.»⁽¹⁾

ص: 45

1- الامالی شیخ صدوق، ص 406، ح 10.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جَمِيعُ مَا فِي كُتُبِ السَّمَاوِيَّةِ فِي الْقُرْآنِ وَ جَمِيعُ مَا فِي الْقُرْآنِ فِي الْفَاتِحَةِ وَ جَمِيعُ مَا فِي الْفَاتِحَةِ فِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ جَمِيعُ مَا فِي بِسْمِ اللَّهِ فِي بَاءِ بِسْمِ اللَّهِ وَ جَمِيعُ مَا فِي بَاءِ بِسْمِ اللَّهِ فِي نُقْطَةِ الْبَاءِ وَ أَنَا النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ.»

یعنی: امیرالمومنین علی -علیه السلام- فرمود که: «هرچه در همه کتابهای آسمانی هست در قرآن هست، و هرچه در قرآنست در فاتحه کتابست، و هرچه در فاتحه کتابست، در بسم الله است، و هرچه در بسم الله هست در باء بسم الله است، و هرچه در باء بسم الله است در نقطه ایست که تحت (1)

بای بسم الله است، و منم که در تحت با أم.» (2)

پس بحکم این حدیث، هر چه در کتابهای آسمانی و قرآن و فاتحه و بسم الله و بای بسم الله و نقطه بسم الله است، با امیرالمومنین -علی علیه السلام- است.

ص: 46

1- زیر.

2- عین این حدیث یافت نشد، ولی در این کتاب این متن بدون انتساب به حضرت علی -علیه السلام- آمده است: الدر المنتظم فی السر الاعظم، ص 58.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا الَّذِي عِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا بَعْدَ مُحَمَّدٍ غَيْرِي.»

یعنی: امیر المومنین علی -علیه السلام- فرمود: «منم آن کس که پیش منست کلیدهای غیب، که نمی دانند آن را بعد از محمد غیر من.» (1)

ص: 47

1- خطبة البيان.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا أَعْلَمُ بِتَأْوِيلِ الْقُرْآنِ وَالْكِتَابِ السَّالِفَةِ.»

یعنی: امیرالمومنین علی -علیه السلام- فرمود که: «منم دانایتر بتاویل قرآن و کتابهای گذشته.» (1)

ص: 48

1- خطبة البيان.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتِي عَلَى كُلِّ قَلْبٍ ذِي رُوحٍ مُتَنَفِّسٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ.»

یعنی: امیر المومنین علی -علیه السلام- گفت: «منم آنکسی که فرض (1) کرده است خدای تعالی فرمان برداری من بر هر دلی صاحب روح و نفس زنده سلیم (2) از خلق خدای تعالی.» (3)

ص: 49

1- واجب.

2- سالم، درست.

3- خطبة البيان.

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا الَّذِي رُذِّتْ عَلَيَّ الشَّمْسُ مَرَّتَيْنِ.»

یعنی: منم آنکس که، بازگشت دو نوبت آفتاب از بَهر من (1).

ص: 50

1- خطبة البيان - اما جریان دوبار برگشتن خورشید اینگونه است: «از نشانه های آشکاری که خداوند بر دست امیرالمومنین -علیه السلام- ظاهر کرده و در روایات زیادی نقل شده، و علمای تاریخ نویس آن را گفته اند، و شاعران به شعر در آورده اند، دوبار برگشتن خورشید برای ایشان است، که یک بار در زمان زندگانی پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله- و یکبار دیگر بعد از رحلت ایشان است. 1- بازگشت خورشید در مرتبه اول: اسماء بنت عمیس، ام سلمه همسر پیامبر -صلی الله علیه و آله-، جابر بن عبدالله انصاری، ابو سعید خدری و گروهی از صحابه نقل می کنند: «پیامبر -صلی الله علیه و آله- روزی در منزل بودند و حضرت علی -علیه السلام- در مقابل ایشان بودند که جبرئیل -علیه السلام- بر ایشان وارد شد و از طرف خدا مطالبی را به صورت راز بیان نمود. هنگامی که وحی ایشان را در بر گرفت، بران امیرالمومنین -علیه السلام- تکیه کردند و سرشان را بلند نکردند تا اینکه خورشید غروب کرد. امیرالمومنین -علیه السلام- به همین دلیل مجبور شدند نماز عصر را به صورت نشسته بخوانند و رکوع و سجود را با اشاره انجام دهند. هنگامی که پیامبر -صلی الله علیه و آله- از بیهوشی بیدار شدند، به حضرت علی -علیه السلام- فرمودند: «آیا نماز عصرت قضا شد؟» فرمودند: «ای فرستاده خدا! بخاطر جایگاه شما و آن حالتی که برای شنیدن وحی بشما دست داده بود نمی توانستم (سر شما را بر زمین نهاده و) ایستاده نماز بخوانم.» پیامبر -صلی الله علیه و آله- فرمودند: «خدا را دعا کن تا خورشید را بر تو برگرداند و نمازت را به صورت ایستاده در وقتش بخوانی همانگونه که نمازت از دست رفت؛ خداوند بخاطر اطاعت تو از خدا و پیامبرش، درخواستت را مستجاب می کند.» امیرالمومنین -علیه السلام- از خدا درخواست برگشتن خورشید را نمود و خورشید برگشت تا اینکه خورشید به مکانی که در هنگام نماز عصر می رسد، قرار گرفت. امیرالمومنین -علیه السلام- نماز عصر را در وقتش خواندند سپس خورشید (بلافاصله) غروب کرد. اسماء می گوید: «به خدا قسم! ما هنگام غروب خورشید، صدایی مانند صدای اژه در هنگام بریدن درخت شنیدیم.» 2- رجوع خورشید بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله: «هنگامی که حضرت خواستند از رود فرات که در بابل (شهری در عراق) رد بشوند، عده زیادی از اصحابشان به چهارپایان و اساس خود مشغول بودند و حضرت با عده ای نماز عصر را خواندند. هنوز همه اصحاب از رود عبور نکرده بودند که خورشید غروب کرد و نماز عصر بسیاری از آن ها قضا شد و فضیلت خواندن نماز جماعت به همراه ایشان از دست بیشترشان رفت؛ پس در مورد این جریان با یکدیگر شروع به صحبت کردند. هنگامی که حضرت سخن آن ها را شنید، از خدا درخواست نمود تا خورشید را برایش برگرداند تا همه اصحابشان نماز عصر را در وقت خودش به جماعت به جا بیاورند. خداوند دعای او را مستجاب کرد و خورشید را بر او برگرداند و در افق - در همان جایی که در وقت عصر قرار می گرفت- برگشت. هنگامی که مردم سلام نماز را دادند، خورشید غروب کرد و از آن صدای سقوط کردن زیادی شنیده شد که مردم ترسیدند و (به همین دلیل) تسبیح، تهلیل، استغفار و حمد الهی را بسیار انجام دادند.» الارشاد، ج 1، ص 345.

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا الَّذِي خَصَّ اللَّهُ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ بِالطَّاعَةِ لِي.»

یعنی: منم آنکس کہ خاص (1) کرد خدای تعالی، جبرئیل را و میکائیل را بخدمت من. (2)

ص: 51

1- ویژه، مخصوص، انحصاری.

2- خطبة البيان.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا الَّذِي بِيَدِي مَفَاتِيحُ الْجَنَانِ وَ مَقَالِيدُ النَّيِّرَانِ.»

يعنى: منم آنكه بدست منست كليدها بهشت و كليدها دوزخ. (1)

ص: 52

1- خطبة البيان.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَعْطَى اللَّهُ نَبِيَّهُ نَهْرَ الْكَوْثَرِ وَأَعْطَانِي نَهْرَ الْحَيَاةِ.»

یعنی: خدای تعالی عطا کرد به پیغمبر خود، حوض کوثر و بمن عطا کرد نهر حیات. (1) و این نهر حیات چشمه ایست بر در بهشت که حیات هر زنده بدوست (2) و چون دوزخیان از دوزخ خلاص میشوند، بدان چشمه غسل میکنند تا عفونت دوزخ و سیمای دوزخیان ازیشان محو می شود و بصورت اهل بهشت میگردند.

ص: 53

1- خطبة الیابان.

2- به وسیله آن است.

روایتست از امام جعفر صادق از آباء(1) او -علیهم السلام- که: «روزی امیرالمومنین علی -علیه السلام- نشسته بود و جماعت کثیر از اشراف پیش او بودند و حضرت شاه، کلامی می فرمود (که) شخصی از میان برخاست و گفت: «یا امیرالمومنین! بدین منزلت که خدای عزّ و جلّ(2) ترا رسانیده است، چرا پدرت در آتش دوزخ معذب(3) باشد؟»

امیرالمومنین فرمود: «فَصَّ اللَّهُ فَالَكَ» یعنی خدای تعالی دهان ترا بشکند.

«وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ شَاءَ فَعَ أَبِي كُلِّ مُذْنِبٍ لَشَفَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ.» بدان(4) خدای که برانگیخت محمد را به پیغمبری، که اگر پدر من شفاعت کند هرگناه کار را که در زمین است، خدای عزّ و جلّ شفاعت او را در حق ایشان قبول کند.

«كَيْفَ الْآبُ مَعَذَّبٌ فِي النَّارِ وَ ابْنُهُ قَسِيمٌ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ.» یعنی چون(5) پدر کسی در آتش دوزخ باشد و پسرش قسمت کننده بهشت و دوزخ؟

«وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ» (بدان خدای که برانگیخت محمد را به پیغمبری) که نور پدر من روز قیامت نور همه را غلبه کند، مگر نور چهارده معصوم را که آن، نور محمد مصطفی است و نور من که علی ابن ابی طالبم،

ص: 54

1- پدران.

2- عزیز و بزرگ است.

3- مورد عذاب.

4- به آن.

5- چگونه.

و نور فاطمه زهرا، و نور امام حسن، و نور امام حسین، و نور نه تن از اولاد امام حسین علیهم السلام. و بدرستی که نور ابوطالب از نور ماست و خدای تعالی نور ما را آفریده است پیش از آفرینش آدم، بدویست هزار سال(1).»(2)

و امیرالمؤمنین در مرثیه(3) او فرموده است:))

أَبَا طَالِبٍ عِصْمَةَ الْمُسْتَجِيرِ *** وَ غَيْثُ الْمُحُولِ وَ نُورُ الظُّلَمِ

لَقَدْ هَمَّ فَقْدُكَ أَهْلُ الحِفَاظِ *** وَ صَلَّى عَلَيْكَ مَلِيكَ النِّعَمِ

وَ لَقَاكَ رَبُّكَ رِضْوَانَهُ *** وَ أَنْتَ لِلْمُصْطَفَى خَيْرُ عَمِّ

یعنی ابوطالب نگهدارنده کسی است که بدو(4) پناه گیرند همه خلق عالم. و باران سال قحطست و نور تاریکیهاست.

و بمرگ او، حال اهل خیر خراب شد. و صلوات فرستاد برو خدای عزّ و جلّ.

و رسید بدو رضای خدای تعالی. و او بهترین عمّ(5) بود بر رسول خدایا،»(6)

ص: 55

1- در منابعی که در دست ما است، دوهزار سال ذکر شده است.

2- الامالی شیخ طوسی، ص 306، ح 59 (ح 612).

3- شعر یا سخنی که در سوگواری خوانده می شود.

4- به او.

5- عمو.

6- ایمان ابي طالب (الحجة على الذاهب إلى كفر أبي طالب)، ص 122.

و امام جعفر -علیه السلام- در حق او فرمود که: «رحمت کن ای خدای تعالی بر ابوطالب که او کفر خود پیدا کرد(1) و ایمان خود پنهان میداشت.»(2)

ص: 56

1- یعنی از جهت تقیه آشکار می نمود.

2- نزهة الکرام و بستان العوام، ج 1، ص 105 «رَحِمَ اللَّهُ أَبَا طَالِبٍ أَسْرَ الْإِيْمَانَ وَأَظْهَرَ الْكُفْرَ.»

وَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ. (1) این چهل حدیثست که محبّان خاندان طیبین و طاهرین چون این حدیثها بخوانند و اعتقاد کنند، خدای تعالی آتش دوزخ بریشان حرام کند چنانچه پیغمبر فرمود که: «لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ.» یعنی اگر جمع شوند مردمان بدوستی علی ابن ابی طالب، خدای تعالی آتش دوزخ را نمی آفرید. (2)

تَمَّ هَذَا الْحَدِيثُ فِي يَوْمِ الْأَحَدِيِّ فِي تَاسِعِ شَهْرِ جَمَادِي الثَّانِي سَنَةِ 934. (3)

ص: 57

1- یعنی: و سلام بر کسی که هدایت و دین حق را پیروی کند.

2- بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، ص 75

3- یعنی: این حدیث، یکشنبه نهم جمادی الثانی سال 934 ه. ق (20 اسفند 906 ه. ش) به پایان رسید.

- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محمد بن محمد مفيد، كنگره شيخ مفيد(قم)، اول / 1413 ه.ق
- اساس البلاغة، محمود بن عمر زمخشرى، دار صادر(بيروت)، اول / 1399 ه.ق
- اقبال الاعمال، على بن موسى ابن طاووس، دار الكتب الاسلامية(تهران)، دوم / 1409 ه.ق
- الامالى، محمد بن الحسن طوسى، دارالثقافة(قم)، اول / 1414 ه.ق
- الامالى، محمد بن على ابن بابويه، كتابچى(تهران)، ششم / 1376 ه.ش
- إيمان أبى طالب (الحجة على الذاهب إلى كفر أبى طالب)، فخار بن معد الموسوى، دار سيد الشهداء للنشر(قم)، اول / 1410 ه.ق
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمدباقر بن محمدتقى مجلسى، دار إحياء التراث العربى(بيروت)، دوم / 1403 ه.ق
- بشارة المصطفى لشعبة المرتضى عليهما السلام، عماد الدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم طبرى آملى، المكتبة الحيدرية(نجف)، دوم / 1383 ه.ق
- تحف العقول عن آل الرسول صلّى الله عليه وآله، حسن بن على ابن شعبه حرانى، جامعه مدرسين(قم)، دوم / 1404 ه.ق
- تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، عبد الواحد بن محمد تميمى آمدى، دفتر تبليغات(قم)، اول / 1366 ه.ش
- الجامع الصحيح و هو سنن الترمذى، محمد بن عيسى ترمذى، دارالحديث(قاهره)، 1419 ه.ق
- الخرائج و الجرائح، سعيد بن هبة الله قطب الدين راوندى، مؤسسة امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف(قم)، اول / 1409 ه.ق
- الخصال، محمد بن على ابن بابويه، جامعه مدرسين(قم)، اول / 1362 ه.ش
- الدر المنتظم فى السر الاعظم، محمد بن طلحه نصيبى، دارالهادى(بيروت)، اول / 1425 ه.ق
- الرسالة العلوية فى فضل أمير المؤمنين -عليه السلام- على سائر البرية، محمد بن على كراچكى، دليل ما(قم)، اول / 1427 ه.ق
- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، عبيدالله بن عبدالله حسكانى، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى - مجمع إحياء الثقافة الإسلامية(تهران)، اول / 1411 ه.ق

▪ صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، جمهورية مصر العربية وزارة الاوقاف المجلس الاعلى للشئون الاسلامية لجنة احياء كتب السنة(قاهره)، دوم / 1410 هـ.ق

▪ الطرائف فى معرفة مذاهب الطوائف، على بن موسى ابن طاووس، خيام(قم)، اول / 1400 هـ.ق

▪ كتاب سليم بن قيس الهلالي، سليم بن قيس هلالى، الهادى(قم)، اول / 1405 هـ.ق

▪ مجلس در قصه رسول صلوة الله عليه، ناشناخته، مركز پژوهشى ميراث مكتوب(تهران)، اول / 1390 هـ.ش

▪ مناقب الإمام على بن أبى طالب عليه السلام، على بن محمد ابن مغازلى، دار الأضواء(بيروت)، سوم / 1424 هـ.ق

▪ مناقب آل ابى طالب عليهم السلام، محمد بن على ابن شهر آشوب مازندراني، علامه(قم)، اول / 1379 هـ.ق

▪ نزهة الكرام وبستان العوام (در امامت و ولايت از قرن 6 و 7)، مرتضى بن داعى علم الهدى، باقر ترقى(تهران)، اول / 1361 هـ.ش

نهج الحق و كشف الصدق، حسن بن يوسف علامه حلى، دارالكتب اللبنانى(بيروت)، اول / 1982 م

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

